

- دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴**
- سال هفدهم - شماره ۳۰۹۲**

سپهرغرب، گروه کافه کتاب – سمیرا گمار؛ سید میثم موسویان در گفت‌وگو با سپهرغرب گفت: بی‌توجهی مسئولان به نویسندگان بومی، آن‌ها را مجبور کرده برای دیده شدن و حمایت، راهی پایتخت شوند. نویسندگان، متفکران این دیار هستند اما اصلاً در سطوح تصمیم‌گیری دیده نمی‌شوند.

ادبیات همواره بستری برای بیان عمیق‌ترین دغدغه‌های انسانی بوده. برخی نویسندگان، با نگاهی روان‌شناختی و اجتماعی، به لایه‌های پنهان شخصیت انسان‌ها نفوذ و روایت‌هایی خلق می‌کنند که خواننده را به تفکر وا می‌دارد. سید میثم موسویان، نویسنده و روان‌شناس همدانی، یکی از چهره‌های برجسته این عرصه است که توانسته با تلفیق دانش روان‌شناسی و مهارت داستان‌نویسی، آثاری ماندگار خلق کند.

وی با نوشتن رمان‌هایی چون بی‌نام پدر، کلاه پوستی‌ها، شب شغال، مدرسه شبانه و به نام مادر توانسته جایگاه ویژه‌ای در ادبیات داستانی ایران پیدا کند. او با روایت‌های معمای، تاریخی و اجتماعی، نختها داستان‌هایی جذاب و خواندنی ارائه داده، بلکه مخاطب را با مفاهیمی چون هویت، خانواده، روان انسان و تاریخ معاصر درگیر کرده است.

موفقیت او در عرصه ادبیات، با دریافت جوایز معتبری همچون جایزه ادبی جلال آل‌احمد و قلم زرین همراه بوده؛ اما آنچه آثار او را متمایز می‌کند، نه‌تنها جوایز، بلکه عمق روان‌شناختی و پرداخت دقیق شخصیت‌هاست. او در آثار خود، به دغدغه‌های اجتماعی نیز توجه ویژه‌ای داشته و با زبانی ساده اما تأثیرگذار، مفاهیم پیچیده روان‌شناسی را در دل داستان‌هایش گنجانده است.

در این گفت‌وگو، با سید میثم موسویان داور و برگزیده جایزه ادبی جلال‌آل‌احمد و قلم زرین همراه خواهیم شد تا از مسیر نویسندگی‌اش بگوید، از تأثیر روان‌شناسی بر آثارش صحبت کند و دیدگاهش را درباره فرصت‌ها و چالش‌های نویسندگان همدانی بشنویم.

آقای موسویان، لطفاً با عنوان پرسش ابتدایی بفرمایید چطور وارد دنیای نویسندگی شدید؟

بنده ابتدا در حیطه شعر و اشعار آیینی فعالیت داشتم و به‌طور خاص در این زمینه کار می‌کردم. حدود ۲۰ سال پیش، یک سخنرانی از حضرت آقا در مورد جنگ و صلح تولستوی شنیدم. اگر اشتباه نکنم، ایشان فرموده بودند که «هویتي به مردم روسیه داده شده که هیچ تاریخ‌نگاری توانسته این کار را انجام دهد.» این جمله خیلی برای من جذاب بود و بیشتر به اهمیت هنر داستان‌نویسی پس‌داد.

پس از آن، به استاد عزیزم، آقای دکتر محمدرضا فریدونی مراجعه کرده و از ایشان پرسیدم که آیا بهتر نیست وارد دنیای داستان‌نویسی بشوم؟ او به‌شدت مرا تشویق کرد و از آن زمان به بعد، من شروع به نوشتن داستان کردم. در طول این ۲۰ سال، بیشتر در این حوزه کار کرده و شعر را هم به‌صورت تفتنی ادامه داده‌ام.

کسب جایزه جلال و قلم زرین چه تأثیری بر مسیر نویسندگی شما داشته است؟

برای یک نویسنده حرفه‌ای، جایزه هیچ‌گاه تعیین‌کننده مسیر نویسندگی نیست. جایزه بیشتر به سرنوشت نویسنده تأثیر می‌گذارد، مثلاً ممکن است یک نویسنده با کسب جایزه،

فرصت‌های بیشتری برای چاپ آثارش پیدا کند؛ اما برای من، دریافت جوایزی چون جلال و قلم زرین به این معنا بود که آثارم بیشتر دیده شدند و ناشران شاید با احترام بیشتری برخورد کنند.

شما در ژانرهای مختلفی قلم زده‌اید؛ تاریخی، معمای، اجتماعی. چطور در این زمینه‌ها تعادل برقرار می‌کنید؟

وقتی که رشد می‌کنم، دیگر برایم اهمیت ندارد که در چه حوزه‌ای می‌نویسم. هر کدام برای من جذابیت خاص خود را دارد. وقتی وارد یک ژانر جدید می‌شوم، شروع به مطالعه و بررسی آثار موفق در آن می‌کنم. به این شکل، خود را با آن فضا آشنا کرده و قواعد و اصول آن را یاد می‌گیرم؛ مثلاً اگر ژانر فانتزی را انتخاب کنم، ابتدا قواعد آن را مطالعه کرده و بعد بر اساس آن‌ها، داستان‌هایم را می‌سازم. برای من، مهم این است که به فضای آن ژانر تسلط پیدا کنم و داستانم را بر اساس آن پیش ببرم.

نویسندگی در دنیای امروز با چالش‌های بزرگی روبه‌رو است. از یک‌سو نویسندگان باید صبر و پشتکار زیادی داشته باشند، اما از سوی دیگر بی‌توجهی به آثار و دشواری‌های انتشار آثار جدید، ممکن است این مسیر را برای آنان غیرممکن کند. در این شرایط، آیا صبر هنوز کلید موفقیت است یا فقط به بن بست می‌انجامد؟

به نظر شما ادبیات چطور می‌تواند به

بازتاب دغدغه‌های اجتماعی کمک کند؟

ادبیات یک ابزار است که می‌تواند به تفکر و ایده‌ها خدمت کند. اگر نویسنده دغدغه‌های اجتماعی داشته باشد، می‌تواند از این هنر برای بررسی و تحلیل مشکلات اجتماعی بهره ببرد. انسان‌ها در اجتماعات زندگی می‌کنند، یکی از ویژگی‌های اصلی بشر این است که متوجه دردهای اجتماعی و فردی خود نمی‌شود. در این شرایط، ادبیات می‌تواند به کمک بیاید و با استفاده از ابزارهای هنری، افراد را نسبت به دردها و مشکلات جامعه آگاه کند.

شما در خلق شخصیت‌های داستانی خود چقدر از تجربیات واقعی و چقدر از تخیل استفاده می‌کنید؟

این بستگی به ژانر دارد؛ مثلاً در ژانر فانتزی کمتر با تجربیات واقعی ارتباط دارم، اما در ژانرهای اجتماعی یا تاریخی، تجربیات دیگران و تاریخ تأثیر بسیاری در خلق شخصیت‌ها دارند. برخی از شخصیت‌ها ممکن است از تجربیات زیسته من یا کسانی که اطرافم هستند، الهام بگیرند. در عین حال، تخیل و ساخت شخصیت‌های جدید نیز نقشی اساسی در داستان‌هایم دارد.

کدام‌یک از آثار شما بیشترین بازخورد را از سوی مخاطبان دریافت کرده است؟

اگر اشتباه نکنم، «بی‌نام پدر» بیشترین بازخورد را داشته. این کتاب توجه بسیاری از

مخاطبان را به خود جلب کرده و بازخوردهای زیادی داشته و قطعاً یکی از برجسته‌ترین آثار من بوده که مورد توجه و استقبال قرار گرفته است.

با توجه به اینکه شما در این حوزه روان‌شناسی هم تخصص دارید، در مورد تأثیر آن بر نویسندگی بگویید، آیا از تجربیات مشاوره‌ای خود در داستان‌ها استفاده کرده‌اید؟

بله متأسفانه!

چرا متأسفانه؟

من گاهی اوقات از تجربیات مشاوره‌ای خود در خلق شخصیت‌ها استفاده کرده‌ام، یکی از رمان‌های من بر اساس یکی از کیس‌های مشاوره‌ای بوده که به آن‌ها پرداختهام. متأسفانه از این جهت که از نظر اخلاقی و حرفه‌ای، این کار به‌طور کامل درست نیست مگر اینکه از فرد رضایت گرفته باشم. البته به‌طور کلی این نوع تجربیات می‌توانند به شخصیت‌سازی کمک کنند و من می‌توانم این داستان‌ها را به شکلی تغییر دهم که به نوعی قابل شناسایی نباشند و امانت‌داری حفظ شود.

آیا ادبیات می‌تواند راهی برای شناخت و درمان بهتر انسان‌ها باشد؟

قطعاً هنر هنری می‌تواند به تعالی انسان کمک کند. هنر به‌ویژه ادبیات می‌تواند انسان‌ها را به سمت اهدافی که برایشان مطلوب است هدایت کند. این تأثیر می‌تواند به شکل مثبت یا منفی باشد. به عنوان مثال، هنر غربی بسیاری از اوقات انسان‌ها را به سمت افکار و ایده‌هایی می‌برد که با ارزش‌های انسانی هم‌راستا نیست. اما در عین حال، هنر می‌تواند انسان‌ها را به سمت تعالی و رشد هدایت کند.

شما برای نگارش آثار تاریخی مثل «کلاه پوستی‌ها» یا «شب شغال»، چقدر تحقیق و پژوهش انجام می‌دهید؟ آیا منابع و اسناد تاریخی محدودیتی برای شما ایجاد یا به داستان‌پردازی کمک می‌کنند؟

ببینید، زمانی که من رمان‌هایی مانند «شهدید نواب صفوی» را نوشتم، چون می‌خواستم شخصیت‌ها و رویدادها را به‌طور متصفانه روایت کنم، مجبور شدم بسیار مطالعه کنم. نواب صفوی یا مصدق، شخصیت‌هایی بودند که به‌جز تحقیق عمیق نمی‌توانستم آن‌ها را به‌درستی بیان کنم. دست من از این لحاظ بسته است، چون برخی رویدادها برخلاف سلیقه یا نگاه من ممکن است رخ داده باشد؛ بنابراین در نوشتن یک رمان تاریخی، خودم تصمیم می‌گیرم که چه زمانی و در کدام ماجرا وارد شوم. در اینجا، بستگی دارد که من بخواهم به یک شخصیت وفادار بمانم و ماجراهای آن شخصیت را بیان کنم یا بخواهم رمان بنویسم و از شخصیت‌ها در داستانم استفاده کنم. هدف من این است که مشخص کنم چقدر باید به تحقیق بپردازم و چقدر دست من برای داستان‌پردازی باز است.

وضعیت ادبیات داستانی امروز را چگونه می‌بینید؟ آیا فضای نشر و چاپ برای نویسندگان مساعد است؟

وضعیت ادبیات داستانی و فضای نشر به‌ویژه برای نویسندگان، پیچیده و ناراضی‌کننده است. به‌نظرم، هنر در حال حاضر به سختی‌ترین

نوع خود رسیده. تلویزیون، سینما و سکوهای اجتماعی، هنر را به‌جای اینکه به سمت تفکر و تعمق حرکت دهند، بیشتر به سمت لذت‌های آنی و بصری می‌برند. هنر اکنون تبدیل‌شده

کافه کتاب

نویسندگان همدانی در خانه غریبه، در غربت آشنا

نویسندگان جوان باید به دیده نشدن و صبوری کردن عادت کنند تا پیشرفت کنند/ مهم‌ترین راهکار برای بهبود شرایط نویسندگان حمایت‌های فرهنگی و مالی از آنان است

به سرگرمی‌های زودگذر و بی‌فکری مانند آواز خواندن یا بازیگری که صرفاً احساسات لحظه‌ای را برانگیزد. این وضعیت باعث شده که مخاطبان بیشتر به‌دنبال لذت‌های فوری باشند و کمتر توجهی به هنرهای عمیق‌تر و تفکرپذیر نشان دهند.

وضعیت ادبیات داستانی و فضای نشر به‌ویژه برای نویسندگان، پیچیده و ناراضی‌کننده است. به‌نظرم، هنر در حال حاضر به سطحی‌ترین نوع خود رسیده. تلویزیون، سینما و سکوهای اجتماعی، هنر را به‌جای اینکه به سمت تفکر و تعمق حرکت دهند، بیشتر به سمت لذت‌های آنی و بصری می‌برند. هنر اکنون تبدیل‌شده به سرگرمی‌های زودگذر و بی‌فکری مانند آواز خواندن یا بازیگری که صرفاً احساسات لحظه‌ای را برانگیزد. این وضعیت باعث شده که مخاطبان بیشتر به‌دنبال لذت‌های فوری باشند و کمتر توجهی به هنرهای عمیق‌تر و تفکرپذیر نشان دهند.

چه اقداماتی برای حمایت از نویسندگان جوان و بهبود وضعیت نشر می‌تواند کمک‌کننده باشد؟

مهم‌ترین اقدام برای حمایت از نویسندگان، آموزش به مردم درباره تأثیرات منفی رسانه‌های تصویری است. مردم باید آگاه شوند که رسانه‌هایی مانند تلویزیون و سکوهای (پلتفرم) اجتماعی می‌توانند تمرکز و تفکر آن‌ها را کاهش دهند. اگر این آگاهی‌ها ایجاد شود، حمایت اصلی از نویسندگان شکل خواهد گرفت. از سوی دیگر، حمایت‌های معیشتی نیز بسیار مهم است. متأسفانه نویسندگان در ایران از حمایت‌های کافی برخوردار نیستند و بسیاری از آن‌ها مجبورند شغل‌های دیگری داشته باشند تا بتوانند زندگی خود را تأمین کنند در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر، نویسندگان از حمایت‌های مالی و نشر بیشتری برخوردارند. برای مثال، در همدان من بارها خواسته‌ام که نویسندگان این منطقه حمایت شوند، ولی متأسفانه تاکنون این امر تحقق نیافته. دولت باید حمایت‌های جدی‌تری از نویسندگان داشته باشد تا شرایط بهتری برای نویسندگی فراهم شود. در نهایت، حمایت‌های مالی و توجه به نیازهای معیشتی نویسندگان در هر جامعه‌ای باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

من از ارشاد استان همدان درخواست کردم که از نویسندگان محلی حمایت‌هایی داشته باشد اما متأسفانه تا به حال هیچ‌گونه حمایتی از طرف آن نهاد صورت نگرفته است. بارها خواسته‌ام که مسئولان فرهنگی در همدان بیشتر به نویسندگان توجه کنند، اما هیچ‌کدام از آن‌ها به‌طور جدی به این درخواست‌ها پاسخ نداده‌اند. این در حالی است که در برخی دیگر از شهرها، مانند تهران، شاهد هستیم که نویسندگان حمایت‌های مالی و فنی از ارشاد دریافت می‌کنند. این نوع برخورد‌های سلیقه‌ای و عدم توجه به نویسندگان بومی، نشان‌دهنده ضعف در

حمایت از نویسندگان است.

چه مشکلاتی در ارتباط با نشر و چاپ آثار خود دارید؟ آیا تاکنون به نتیجه‌ای در این زمینه رسیده‌اید؟

مشکلات اصلی من در ارتباط با نشر و چاپ، نبود حمایت‌های کافی از سوی نهادهای دولتی و فرهنگی است. تا به حال هیچ‌گاه از طرف ارشاد همدان حمایت جدی برای نشر آثارم صورت نگرفته. در واقع، من سال‌هاست که در این حوزه مشغول به نوشتن هستم، اما هیچ‌گاه استاندار همدان و رئیس ارشاد استان، هیچ‌گونه حمایت معنوی و مالی از من نداشته‌اند. حتی یک جلسه خصوصی برای بحث و گفت‌وگو در مورد آثارم با من برگزار نشده. این مسائل باعث شده که بسیاری از نویسندگان همدان مجبور شوند برای چاپ آثار خود به تهران یا دیگر شهرها بروند.

آیا تجربه‌ای از تفاوت‌های حمایتی بین نویسندگان در تهران و دیگر شهرها دارید؟

بله، تجربه من نشان داده که در تهران حمایت‌ها به‌مراتب بیشتر از دیگر استان‌هاست. در همدان، نویسندگان محلی به‌سختی از حمایت‌های ارشاد و نهادهای فرهنگی برخوردار می‌شوند. در حالی که در تهران، بسیاری از نویسندگان می‌توانند از امکانات و حمایت‌های بیشتری بهره ببرند. برای مثال، نویسندگان در تهران به‌راحتی از حمایت‌های مالی و فنی برای چاپ و توزیع آثارشان بهره می‌برند، در حالی که در همدان این حمایت‌ها به‌ندرت در دسترس است. این تفاوت‌های حمایتی باعث می‌شود که بسیاری از نویسندگان موفق در تهران یا دیگر شهرها برای چاپ آثارشان به آنجا منتقل شوند.

چه راهکارهایی برای بهبود شرایط نویسندگان بومی و حمایت از آن‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

به‌نظرم، مهم‌ترین راهکار برای بهبود شرایط نویسندگان بومی، حمایت‌های فرهنگی و مالی از سوی نهادهای دولتی و فرهنگی است. منابع مالی و امکانات لازم باید برای چاپ و توزیع آثار نویسندگان در شهرهای مختلف فراهم شود. علاوه بر این، نهادهای فرهنگی باید به‌طور جدی از نویسندگان بومی حمایت کنند و در برگزاری جلسات و همایش‌های نویسندگان محلی مشارکت بیشتری داشته باشند. اگر این حمایت‌ها صورت گیرد، بسیاری از نویسندگان محلی قادر خواهند بود آثار خود را چاپ کنند و در معرض دید عموم قرار دهند.

متأسفانه مسئله‌ای که وجود دارد این است که در همدان، شورای شهر و شهرداری فقط کتاب‌هایی که تقریظ خورده‌اند را می‌بینند. خب بقیه نویسنده‌ها چه کنند؟ آقای حسام و خانم ضرابی‌زاده از اساتید بسیار باسواد و متواضع ما هستند اما اینکه آثار شاگردان این نویسنده‌ها دیده نشود و مسئولان توجهی نکنند، نتیجه خوبی در پی نخواهد داشت.

در حال حاضر روی چه پروژه‌ای کار می‌کنید؟ آیا کتاب جدیدی در دست انتشار دارید؟

بله، من معمولاً همیشه کتاب‌هایی در دست نوشتن دارم. در حال حاضر هم روی چند پروژه مختلف کار می‌کنم که امیدوارم سال آینده به چاپ برسند. موضوعات کتاب‌های جدیدم متنوع هستند و هر کدام ویژگی‌ها و چالش‌های خاص خود را دارند.



توصیه‌تان به نویسندگان جوانی که قصد ورود به دنیای نویسندگی را دارند چیست؟ به‌نظر من، مهم‌ترین چیزی که یک نویسنده نو قلم به آن نیاز دارد، صبر است. نویسندگی یک فرآیند طولانی است و باید صبر و حوصله داشت. نباید آماده باشید که مدت‌ها کار کنید و دیده نشوید. این مرارت‌ها و صبر نباید شما را خسته کند و باعث دل‌سردی‌تان شود. تمرین و نوشتن مستمر خیلی مهم است. همچنین نویسندگان جوان باید درک کنند که به‌راحتی نمی‌توانند ناشران را متقاعد کنند که کار آن‌ها را به چاپ برسانند. این فرآیند زمان‌بر است، باید به‌صورت منظم و مداوم کار کنند.

ممنون از شما، امیدوارم سال خوبی در دنیای کاری و شخصی داشته باشید؛ آیا نکته‌ای هست که شما بخواهید در این مصاحبه مطرح کنید و در پرسش‌های قبلی به آن اشاره نشده باشد؟

بله، من همیشه در پایان مصاحبه‌ها از استادم، جناب آقای دکتر محمدرضا فریدونی تشکر می‌کنم. ایشان به‌طور واقعی در این شهر شناخته نشده‌اند، اما من در تمام کارهایی که انجام می‌دهم، مدیون کلاس‌ها و زحمات ایشان هستم. ایشان تأثیر زیادی در شکل‌گیری دیدگاه‌ها و روش‌های من داشتند و همیشه از ایشان به‌عنوان یک استاد بزرگ یاد می‌کنم. من واقعاً از ایشان تشکر می‌کنم.

ایشان فرهنگی در سایه تصویر و علت مسئولان

در دنیایی که سکوهای اجتماعی، تلویزیون و سینما، فکر کردن را به حاشیه رانده‌اند، وضعیت کتاب و ادبیات داستانی از همیشه وخیم‌تر است. انسان امروز بیش از آن‌که تفکر کند، سرگرم می‌شود. تصویری که به سادگی مصرف می‌شود، جای اندیشه‌ای را گرفته که نیاز به تأمل و درنگ دارد. در این میان، نویسندگانی که هنوز به قدرت کلمه ایمان دارند، نه‌تنها با بحران کاهش مطالعه دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بلکه همان اندک کتاب‌هایی که با خون دل به چاپ می‌رسد نیز از هیچ حمایتی برخوردار نیست.

نویسندگان بومی که می‌توانند فرهنگ و هویت شهرهای خود را زنده نگه دارند، ناچارند برای بقا و دیده شدن، بار سفر ببندند و به پایتخت پناه ببرند. چراکه مسئولان فرهنگی در استان‌ها، نه‌تنها به فکر حمایت از آن‌ها نیستند، بلکه حتی بسیاری از این چهره‌های ادبی را نمی‌شناسند. در حالی که در برخی استان‌ها، شوراهای شهر و ارگان‌های فرهنگی حداقل خریدی از کتاب‌های نویسندگان خود انجام می‌دهند، در جاهایی مانند همدان، نویسندگان حتی از کمترین توجه برخوردار نیستند.

مشکل فقط معیشت نویسنده نیست؛ مسئله، زنجیره‌ای از بی‌توجهی به فرهنگ است. رسانه‌های تصویری، ذائقه مخاطب را به مصرف سریع و بدون تفکر عادت داده‌اند و حالا که کتاب‌خواندن به امری دشوار تبدیل شده، مسئولان هم کار را برای نویسندگان سخت‌تر کرده‌اند. این وضعیت، آینده‌ای تاریک برای تفکر و کتاب و ادبیات داستانی، تنها یادگاری از گذشته خواهد بود.

آیا زمان آن نرسیده که برای نجات تفکر و فرهنگ، یک‌بار دیگر به کتاب و نویسندگانش بازگردیم؟

کتابخانه ملی، ستون اصلی توسعه کتابخانه‌های دیجیتال باشد

کتابخانه مادر باید میدان‌داری کند، چون متخصصان کتابخانه الکترونیکی در کتابخانه ملی هستند، برای بقیه کتابخانه‌ها الگو ارائه کنند.

اصنافی درباره اهداف کتابخانه دیجیتالی بیان کرد؛ یکی از اهداف کتابخانه‌های دیجیتال، توجه به بحث محیط زیست و کاهش فضایی و نیازمخاطبان و تغییر ذائقه آن‌ها باید در نظر گرفته شود. مخاطبان نیازمند کتابخانه‌هایی هستند که راحت‌تر از آن خدمات بگیرند. دسترسی به کتاب و مشاوران اطلاعاتی نیز از نیازهای مهم کتابخانه دیجیتال اند. نقش کتابدار و تسهیل‌گر اطلاعات نیز در کتابخانه‌های دیجیتال مهم است و باید مجموعه‌ای از ارگان‌ها فعال باشند. مثلاً در دانشگاه‌ها و مدارس، به کتابخانه دیجیتال نیازمندیم درحالی که در چنین شرایطی و باتوجه به آموزش غیرحضوری، نیازمند کتابخانه دیجیتال هستیم.

وی افزود؛ کتابخانه‌های دیجیتال می‌توانند شامل ترانه‌ها و قصه‌های کودکانه باشد، کتابخانه‌های دیجیتال می‌توانند دربرگیرنده کتابدار کودک باشند.کتابخانه دیجیتال در بخش آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها نقش خود را بیشتر نشان می‌دهند.

عضو هیئت مدیره انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران درباره حضور کتابدار متخصص برای اداره کتابخانه دیجیتال تصریح کرد؛ نمی‌توان گفت حضور کتابدار متخصص در یکی از کتابخانه‌ها جزو مهم‌ترین ارکان است اما یکی از عوامل مهم است. یعنی منابع انسانی را در کتابخانه‌های

«سازمان مادر» کجاست؟ دانشگاه، کتابخانه

ملی، تخصص یا عمومی. مأموریت و رسالت آن سازمان هم مهم است که مخاطب، چه استفاده‌ای دارد و چطور از آن استفاده می‌کند. در نظر گرفتن امنیت داده‌ها هم مهم است، به هر صورت داده‌هایی که تهیه کردیم نیاز به امنیت دارد و در کتابخانه‌های دیجیتال باید، لایه‌های امنیتی برای کاربر تعریف شود. بحث کپی‌رایت و مالکیت معنوی هم مهم است و در این زمینه باید توجه کنیم، منابعی که اسکن شده است، مالکیت معنوی‌شان حفظ شده باشد.

اصنافی گفت؛ بنابراین باید میان‌کنش‌پذیری و متادیتا و استانداردهای کتابخانه‌ای در نظر گرفته شود و نمی‌توان گفت که یک کتاب راحت ایجاد می‌شود؛ چراکه این کار زمان‌بر است و نیازمند سازماندهی منابع اطلاعاتی است.

وی خاطرنشان کرد؛ آنچه که به‌عنوان کتابخانه

دیجیتال درنظر گرفته می‌شود باید بررسی شود، نام کتابخانه دیجیتال را برای کجا استفاده می‌کنیم و آیا این کتابخانه ازسوی کتابخانه ملی یا نهاد کتابخانه‌های عمومی تأسیس شده است؛ آیا به معنای ماهوی هم کتابخانه دیجیتال است یا نه؟ یعنی اینکه، امکان امانت کتاب به‌صورت دیجیتال و یا امکان نظر دادن برای کتاب انجام می‌شود یا خیر. در چنین شرایطی می‌توان گفت کتابخانه دیجیتال ایجاد شده و باید دید که همه

زمینه‌ها را پشتیبانی می‌کند یا نه؟

عضو هیئتمدیره انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران افزود؛ کتابخانه ملی به‌عنوان

اعضای هیئت علمی هستیم.

وی ادامه داد؛ اگر این اتفاق خوب در دانشگاه‌ها به درستی درمقاطع کارشناسی و دکتری انجام شود، اتفاقات مثبتی رخ می‌دهد. البته نهادکتابخانه‌های عمومی کشور و کتابخانه ملی هم خود را با تغییر وفق دهند تا در بدنه حرفه‌ای آمادگی وجود داشته باشد و دچار تناقض نشویم.